

کوچک خانے کہ باید از نو شناخت

ناصر عظیمی دوبخشی



فرہنگ ایلما

www.ketab.ir

سرشناسنامه: عظیمی دوبخشری، ناصر، ۱۳۳۲ -
عنوان و پدیدآور: کوچک‌خانی که باید از نو شناخت/ ناصر عظیمی دوبخشری.
مشخصات نشر: رشت، فرهنگ‌ایلیا، ۱۴۰۱. مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.

شابک: ۴ - ۷۸۲ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

موضوع: میرزا کوچک خان، یونس بن میرزا بزرگ، ۱۲۹۸-۱۳۴۰ ق.

موضوع: کسمایی، حسین، ۱۲۴۴ - ۱۳۹۹.

موضوع: Kasmai, Hossein

موضوع: نهضت جنگل، گیلان، ایران، ۱۳۳۲-۱۳۴۰ ق.

Jangal movement, Gilan, Iran, 1914-1921

شناسه افزوده: میرزائاد موجد هادی، ۱۳۵۲ -، ویراستار

رده‌بندی کنگره: DSR ۳۷۱ رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۵۲ شماره کتابخانه ملی: ۸۹۷۸۶۳۱

چاپ نخست: پاییز ۱۴۰۱

چاپ دوم: زمستان ۱۴۰۱

www.ketab.ir

کوچک‌خانی که باید از نو شناخت

ناصر عظیمی دوبخشری

ویراستار: هادی میرزائاد موجد

طراح جلد: سعید قاسمیان

چاپ سوم: زمستان ۱۴۰۲

شمارگان: سیصد نسخه

شماره نشر: ۸۹۴

نسخه‌برداری و آماسازی: کارگاه نشر فرهنگ ایلیا

نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رشت، میدان فرهنگ، خیابان آزادگان، کتر دبیرستان دکر بهشتی،
پلاک ۲۹، تلفن: ۳۳۴۴۷۳۳ ۳۳۴۴۷۳۲ ۰۱۳-۳۳۴۴۷۳۲

www.farhangeilia.ir
nashre.farhange.ilia
nashreilia@yahoo.com
NFilia

همه‌ی حقوق نشر این کتاب محفوظ است.

فهرست مطالب

پیشگفتار / ۷

◇ کوچک خان تاریخی، کوچک خان تبلیغی! (در شناخت کوچک خان واقعی!) / ۹

مقدمه و طرح موضوع ۱۱ / روش تبلیغی کوچک خان ۱۳ / کوچک خان مشروطه خواه ۱۶ / عضو «انجمن روحانیان ایران - گیلان» ۱۷ / آموزش نظامی مشروطه خواهان جوان گیلانی ۲۱ / در تدارک کمک به مشروطه خواهان در خط تهران ۲۱ / فرار از گیلان ۲۲ / کوچک خان در اولین دست نوشته اش ۲۲ / عضویت در کمیته ی سازماندهی ۲۳ / نخستین ظهور در عرصه ی عمومی پس از آمدن از تقلیس ۲۴ / در راه فتح تهران ۲۴ / پس از فتح تهران ۲۵ / مغضوب در جریان اولتیماتوم روسیه در سال ۱۲۹۰ / ۲۷ / در تهران تا جنگ اول جهانی ۲۸ / پایه گذار حرکت تاریخی ۲۰ مرداد ۱۲۹۴ / ۳۱ / مصمم به ادامه ی مبارزه ی جنگلیان ۳۶ / کوچک خان در شرایط جدید ۳۷ / کوچک خان و جمهوری شوروی ایران ۳۸ / ناآگاهی کوچک خان از بلشویسم ۳۹ / کوچک خان و دو جناح بلشویکی ۴۱ / کوچک خان و موضوع اصلاحات ارضی ۴۲ / فاجعه ی رشت و نزدیک شدن کوچک خان به حیدرخان ۴۴ / حمله ی دوباره ی قوای قزاق و تصرف رشت ۴۵ / همراهی و همدلی کوچک خان با حیدرخان ۴۶ / کوچک خان و تزه های حیدرخان ۴۷ / خبرهای بد در زمستان ۱۲۹۹ برای کوچک خان و حیدرخان ۴۸ / آمدن حیدرخان به نزد کوچک خان ۴۸ / تشکیل کمیته ی انقلاب جدید ۴۹ / میانجی گری روتشتین برای مصالحه بین دولت و کوچک خان ۵۰ / کوچک خان و واقعه ی ملاسرا ۵۲ / نامه به قوام السلطنه در ۱۲ مهر ۱۳۰۰ ۵۴ / نامه ی کوچک خان به رضاخان سردار سپه ۵۵ / کوچک خان و دستور عدم مقاومت ۵۵ / روایت کوچک خان تبلیغی ۵۷ / منابع: ۵۷

◇ روایتی از یک رابطه؛ رابطه‌ی حسین خان کسمایی و کوچک خان جنگلی / ۶۱

طرح موضوع ۶۳ / کوچک خان در کمیته‌ی ستار در کنار حسین خان کسمایی ۶۹ / کوچک خان و فتح تهران ۶۹ / ارادت کوچک خان به حسین خان کسمایی ۷۱ / همراهان یک تبعید پرشش برانگیز! ۷۵ / جنبش جنگل؛ یاران پیشین بار دیگر در کنار هم ۷۸ / حسین خان کسمایی پس از انقلاب جنگل ۹۱ / رابطه‌ی «پری و غول» ۹۳ / مرگ تراژیک و پرابهام کسمایی به هنگام ویرانی شهر رشت ۹۷ / معمای حسین خان کسمایی در روستای سَقَالْکَسَر ۱۰۳ / منابع: ۱۰۶

◇ حکایت جدایی طالع و کوچک خان / ۱۰۹

طرح موضوع ۱۱۱ / مقدمه ۱۱۲ / کوچک خان مشروطه‌خواه در مقابل مشروطه‌خواه ۱۱۵ / فرار از گیلان ۱۱۷ / تأسیس جنبش جنگل و اشغال‌گری روسیه ۱۲۰ / اولین اعلامیه‌ی جنگلیان: «با کسی که ایران را دوست دارد، دوستیم» / جنبش جنگل به مثابه‌ی جنبش ضد اشغال ۱۲۳ / اعتراض به یک نام‌گذاری از جانب جنگلیان ۱۲۴ / پیدا شدن افق‌های جدید برای جنبش جنگل ۱۲۸ / پیوند جنگلیان با احزاب در پایتخت کشور ۱۳۴ / کوچک خان، دوستدار فردوسی ۱۳۵ / نفرت از قرارداد ۱۹۱۹ ۱۳۶ / اعتقاد به حکومت مرکزی از منظری دیگر ۱۳۸ / وقوع انقلاب جنگل و تأسیس جمهوری شوروی ایران ۱۳۹ / جمهوری شوروی ایران یا گیلان؟! ۱۴۳ / استقرار جمهوری و ماه عسل انقلاب جنگل ۱۴۳ / چند اتفاق مهم در زمستان ۱۲۹۹ و تأثیر آن بر انقلاب جنگل ۱۵۳ / موضع کوچک خان (ساده‌لوحی یا صداقت) ۱۵۵ / وقایع ناخواسته و مشکوک علیه کوچک خان ۱۶۰ / «مراد و منظور جمعیت جنگل، حفظ استقلال ایران است» ۱۶۳ / نامه‌ی کوچک خان به سردار سپه ۱۶۷ / پیدا شدن یک نامه و یک حادثه‌ی مشکوک دیگر ۱۷۳ / حمله‌ی نهایی به جنگل و پیروزی آسان قوای سردار سپه ۱۷۵ / برداشت‌های نادرست از پیروزی سردار سپه بر جنگلیان ۱۸۲ / در پایان ۱۸۷ / منابع: ۱۸۸

پیشگفتار

این کتاب مجموعه‌ی سه مقاله درباره‌ی جنبش و انقلاب جنگل با تمرکز بر روی شخصیت کوچک‌خان است. تمام این مقالات در سال ۱۴۰۰ نوشته شده و در آستانه‌ی انتشار این مجموعه، ویرایش و تکمیل شده‌اند و در نتیجه به‌طور فشرده، آخرین دیدگاه‌های نویسنده را در این خصوص بازتاب می‌دهند. این سه مقاله که روایت تاریخی واحدی را بازگو می‌کنند، در برخی موارد بر روی هم سایه انداخته و در جاهایی با هم وجوه مشترک دارند، اما چون هر کدام مقاله‌هایی مستقل بوده‌اند، به ناگزیر در جاهایی متناسب با اهداف مقاله تکرار شده‌اند.

در مقاله‌ی نخست، بر «کوچک‌خان تلویخی» توجه و تأکید شده و کوشش بر آن بوده تا تصویری از کوچک‌خان واقعی، کوچک‌خانی که در بستر تاریخ ظاهر شده و در بطن و متن تاریخ مشروطه و جنگل همان‌گونه نقش‌آفرینی کرده، ارائه کنیم. هدف اصلی این مقاله، تمیز کوچک‌خان واقعی از کوچک‌خان تبلیغی است که در سال‌های اخیر بسیار رواج یافته و چهره‌ای به‌کلی بازگونه و به قول خود کوچک‌خان با الفاظی «قالب‌زده» و تهییجی از او به دست داده شده است.

در مقاله‌ی دوم، روایتی تاریخی از رابطه‌ی مستمر حسین‌خان کسمایی با کوچک‌خان، از مشروطه تا جنبش و انقلاب جنگل، ارائه شده است که روایتی ست نو و تا کنون از این منظر به این رابطه‌ی تاریخ‌ساز توجهی نشده است. در این مقاله بازهم از شخصیت کوچک‌خانی پرده برداشته شده که در بستر تاریخ فعالیت سیاسی پانزده‌ساله‌ی خود، سخت شیفته‌ی حسین‌خان کسمایی بود و به‌ویژه پس از بهار سال ۱۲۹۶ خورشیدی که منطقه‌ی آزادشده‌ای برای تشکیلات جنگلی‌ها در کسما و گوراب‌زرمیخ پدید آمد، از هر کسی به او نزدیک‌تر شد. این رابطه تا پایان زندگی حسین‌خان کسمایی باقی ماند.

در مقاله‌ی سوم، روایتی درباره‌ی جدایی طلبی کوچک‌خان بر اساس اسناد در دست ارانه شده است که بازهم در سال‌های اخیر بر سر آن، به ویژه در فضای مجازی، جدالی سخت در گرفته است. تلاش شده در این رابطه به پرسش‌های گوناگونی که در طول این سال‌ها طرح شده و از جمله پرسش‌هایی که در رابطه و برخورد رضاخان سردار سپه با او وجود داشته، پاسخ گفته شود.

ضرورت دارد تاکید شود که از هر شخصیت تاریخی و تاریخ معین می‌توان روایت‌های گوناگون بر مبنای قالب بندی ایدئولوژیک، اسطوره‌سازی‌های تبلیغی و تهییجی و همین‌طور روایت واقعی در ظرف زمان و مکانی معین و مشخص در بستر تاریخ ارانه داد. این کتاب هم یک روایت مشخص از زندگی و فعالیت سیاسی کوچک‌خان است. نویسنده تلاش کرده تا روایتی چندسویه و نزدیک به واقعیت از شخصیت کوچک‌خان، به همان صورتی که در بستر زمان و مکان پدیدار شده و نه به‌عنوان یک ایده به منظور بهره‌برداری‌های تبلیغی و سیاسی - ایدئولوژیک به دست دهد. به همین دلیل خواننده‌ی دقیق و نکته‌سنج است که داور نهایی در این زمینه خواهد بود.

از دوستانم؛ هادی میرزا نژاد محمد که متن را به جهت مطالعه و نکات ارزشمند ویرایشی به نویسنده یادآور شدند، سپاسگزارم.

ناصر عظیمی

شهریور ۱۴۰۱

مقدمه و طرح موضوع

ما انسان‌ها در روایت‌گری واقعیت‌ها از ویژگی جالبی برخورداریم و آن این است که ابتدا آن را در قالب ذهنی مورد دلخواه خود ریخته و سپس برای دیگران روایت می‌کنیم! صرف‌نظر از این که این قالب‌گیری و «کالیبره» کردن واقعیت در چارچوب ذهن ما چگونه شکل می‌گیرد، تا چه اندازه قالب‌های روایت‌گر در طول زندگی فردی ما، نسبت به تغییرند و یا آن که از کدام عوامل اقتصادی، طبقاتی، تربیتی، آموزشی، قومی، مذهبی و غیره بیشتر تأثیر می‌پذیرد، اما می‌دانیم که این قالب‌گیری در ذهن ما (به عنوان پژوهش‌های ذهنی شناسا) تأثیر بسیاری بر روایت واقعیت‌ها و از جمله روایت‌های تاریخی دارد. عبارت دیگر، ما انسان‌ها، واقعیت‌های خارج از ذهن را از طریق حواس دریافت کرده و سپس آن را با وحدت‌بخشی عناصر متکثر و مفهوم‌سازی مورد دلخواه در ذهن خود، از دریچه‌ی منافع اقتصادی، طبقاتی، قومی، مذهبی، صنفی، سنی، جنسی و غیره، به صورت دلخواه کالیبره کرده و به دیگران عرضه می‌کنیم! آیا ما روایت‌گران تاریخ می‌توانیم از این دامگاه‌ها گردیم و روایت بالنسبه واقعی‌تر و بی‌طرفانه‌تر و به همان گونه که در بستر تاریخی رخ داده (روایت تاریخی)، ارائه کنیم؟ پاسخ از نظر نویسنده این است که اگر بتوانیم به «خودآگاهی انتقادی اخلاقمند» دست یابیم، امکان روایت بی‌طرفانه‌تر واقعیت‌های تاریخی به‌طور بالنسبه می‌تواند فراهم شود. از نظر نویسنده، خودآگاهی انتقادی اخلاقمند می‌تواند همانند «فرامن» فرویدی از فرازی اخلاقی، ناظر روایت‌گری ما باشد و از آنجایی که

می‌خواهد به اخلاق‌مندی پایبند باشد، به‌طور دائم روایت‌گری ما را زیر ذره‌بین انتقادی معیارهای اخلاقی خود می‌گیرد و در صورت کژروی از حقیقت و حقیقت‌جویی، به‌طور مستمر نهیب می‌زند که از جاده‌ی انصاف و روایت‌گری واقعیت خارجی، منحرف نشویم! اگر روایت‌گر (یعنی سوژه یا فاعل شناسا) بتواند خود را به چنین سطحی از خودآگاهی انتقادی اخلاق‌مند خودکنترلی ارتقاء دهد (که می‌دانیم بسیار سخت و دشوار به دست می‌آید)، به احتمال زیاد می‌تواند به درجه‌ای از روایت‌گری واقعیت تاریخی هم دست یابد.

در بررسی حاضر، منظور ما از «کوچک‌خان تاریخی»، همان روایت واقعی از او در تاریخ است که همانند هر پدیده‌ای در بطن و بستر تاریخ (یعنی تاریخ‌مند) است که در فرایند تاریخی شکل گرفته و به‌مثابه‌ی واقعیتی یونیک و یگانه، پدیدار شده است. به عبارتی، فرض بر این است که واقعیت رویداد تاریخی، یگانه و یونیک است و تنها روایت‌هاست که متکثر است. بنابراین باید راهی پیدا کرد تا روایت نیز هرچه بیشتر واقعیت واحد رویداد، نزدیک‌تر شود. باین حال، نمود و تجلی شخصیت تاریخی در بستر کنشگری تاریخی اما نمی‌تواند ثابت و یگانه باشد بلکه شخصیت در فرایند تاریخی ممکن است به‌طور مستمر دستخوش تغییر شده و چه بسا در طول کنشگری تاریخی خود، نمودهایی گوناگون و حتی متضاد از خود برجای گذارد. کوچک‌خان نیز از این قاعده‌ی مستثناء نیست و ما با کوچک‌خان واحد و یگانه‌ای در طول کنشگری تاریخی رو به رو نیستیم. با این وجود به باور ما در متن و بستر تاریخ، هر پدیده‌ی تاریخی، واقعی است و هر پدیده‌ی واقعی نیز تاریخی است. پس تاریخی بودن، عین واقعیت است که مستقل از ذهن ما روی داده و ما (سوژه‌ها) می‌توانیم از طریق خودآگاهی انتقادی اخلاق‌مند تا حدود زیادی به روایت واقعی‌تری از رویداد تاریخی نزدیک‌تر شویم. از این منظر می‌کوشیم با روایت کوچک‌خان تاریخی، کوچک‌خان تبلیغی، کاذب و به قول خود کوچک‌خان،

روایتی «قالب زده» از پیش را به منظور کشف حقیقت بی اعتبار نماییم. آیا به چنین امر مهمی دست خواهیم یافت؟ خوانندگان آگاه، فرهیخته و نکته سنج این نوشته، بهترین داوران این ادعا خواهند بود.

یادآوری کنیم که این نوشته ابتدا به صورت یک سخنرانی در همایش بین المللی جنبش جنگل در دانشگاه گیلان به تاریخ ۲۴ آذر ۱۴۰۰ ارائه شد و سپس به صورت مقاله‌ی حاضر تدوین گردید. کوشش بر این است که در این بررسی، دوره‌های مختلف زندگی و فعالیت کوچک خان تاریخی از آغاز تا پایان در بطن و بستر تاریخی به همان صورتی که بوده و پدیدار شده، روایت و بازسازی شود. در این نوشته به مستندات «تبلیغی و تهییجی» از کوچک خان نمی‌پردازیم که به منظور بهره‌گیری‌های گوناگون بسیار متداول بوده و هست. فرض بر این است که این کوچک خان تاریخی و واقعی می‌توان روایت‌های کوچک خان مکتبی، تبلیغی و تهییجی را باز شناخت!

دوره‌ی طلبگی کوچک خان

اولین حضور کوچک خان در عرصه‌ی عمومی و آموزشی در مدارس علمیه در شهر رشت بوده است. باین حال از دوره‌ی طلبگی کوچک خان، داده‌های تفصیلی و گسترده‌ای در دست نداریم. ابراهیم فخرایی درباره‌ی این دوره از زندگی او می‌نویسد: «سنین اول عمر را در مدرسه‌ی حاجی حسن واقع در "صالح آباد" رشت و [سپس] مدرسه‌ی "جامع" که آن وقت رونقی داشت و اکنون [در زمان نوشتن کتاب سردار جنگل پیش از سال ۱۳۴۴] به علت آتش سوزی، خرابه‌ای بیش از آن باقی نمانده، به آموختن صرف و نحو و تحصیلات دینی گذرانید» (فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۵). فخرایی از مدرسه‌ی جامع رشت که کوچک خان در آن به تحصیل طلبگی پرداخته، تصویری ارائه کرده است که کوچک خان و همکلاسی‌هایش را در یک قاب کنار هم نشان می‌دهد (تصویر ۱.۱).